

قدمگاه ، سرزمین شادمانه های نیشابور



روزنت نیشابوریان

© <http://neyshaburian.blogfa.com>

بقعه ی قدمگاه

در طول تاریخ اسلامی ، در بسیاری از ممالک اسلامی مکانهای متعددی به نام ((قدمگاه)) یا محل و جایگاه قدم پیغمبر (ص) و ائمه اطهار (ع) شهرت یافته اند که مشهورترین آنها قدم الشریف در قبۀ الصخره ی بیت المقدس است که قدمگاه حضرت محمد است که از آنجا به معراج رفته است. وجه تسمیه ی قدمگاه رضوی نیشابور سنگ مربعی شکل سیاه رنگی است که ابعاد آن تقریباً ۵۰*۵۰ است.

قدمگاه:

شهر قدمگاه هم اکنون مرکز بخش زبرخان شهرستان نیشابور میباشد که در ۲۴ کیلومتری شرق نیشابور قرار دارد . و در کنار بزرگراه آسیایی نیشابور - مشهد واقع شده است. یاقوت حموی سفرنامه نویس معروف از این مکان با نام قریه ی حمراء نام میبرد و همچنین شیخ صدوق از آن با عنوان سرخک یاد می کند. اگر به بالای تپه های مجاور قدمگاه برویم علت را متوجه میشویم. چون خاک عمده ی این منطقه از جنس رس میباشد که سرخ رنگ است و خاکی مناسب برای سفالگری. در بسیاری از متون هم از این منطقه با نام اسپریس یاد شده است که به خاطر جاری بودن مجموعه قنات های اسپریس بوده است و همواره در مسیر شاهراه ارتباطی بین نیشابور و مرو اولین منزلگاه مسافرین بوده است. که پس از حضور حضرت امام رضا (ع) در این مکان و رقم خوردن شادمانه ترین لحظات مردم نیشابور به احترام قدوم ایشان به قدمگاه شهرت یافته است.

باغ قدمگاه در زمان شاه عباس اول صفوی احداث شده است و به دستور وی ۲۸ درخت کاج نیز در آن زمان در آن کاشته شده است. (که البته کتابخانه ی آستان قدس سالها بعد یعنی در زمان اوایل پهلوی به خدمت این درختان رسید و میتوانید این درختان را در قفسه های کتابخانه ی آستان قدس رضوی ببینید. البته اگر پس از جایگزین کردن قفسه های فلزی آنها را دور نینداخته باشند!) و پایان ساختمان بقعه ی قدمگاه و حمام و رباط جدول کشی باغ مربوط به شاه سلیمان صفوی بسال ۱۰۹۱ هجری قمری است. این باغ در زمان صفویان جزو باغ های معتبر و زیبای ایران بوده است که در دوره ی قاجاریه و پهلوی به صورت جدی دچار آسیب دیدگی و بعضا غارت های شدید قرار گرفته است و باغ آن آبادانی گذشته را ندارد ولی هنوز هم از صفای آن کاسته نشده است. در زمان ساخت این بقعه توسط شاه عباس اول سیستم آبرسانی خاصی در نظر گرفته نمی شود زیرا نهرهای فراوانی آنرا آبیاری میکرده اند و نیازی به آبیاری مصنوعی نبوده است و در دهه های اخیر است که این محل نیاز به آبیاری از منابع دیگر را پیدا کرده است. رود درود و مجموعه قنات های اسپریس در گذشته وظیفه ی آبیاری اشجار آن را بر عهده داشته اند. که به مرور رود اول بسیار کم آب شده و قنات ها هم در حال حاضر خشکیده اند. در ایوان جنوبی باغ مقرنس زیبایی به کار رفته است و در گذشته ایوان شمالی هم (که اکنون وجود ندارد) دارای این مقرنس کاری بوده است که با نادانی مسوولین وقت اداره ی اوقاف نیشابور در جریان مرمت بنا در دهه ی ۴۰ آسیب میبند و از بین میرود.

این بنا به همراه امامزاده محروق از معدود بناهایی در نیشابور هستند که میتوان هنر گره چینی را در پنجره های آن دید (گره چینی پنجره ی مشبکی است از جنس چوب که در آن حتی یک میخ و یک قطره چسب به کار نرفته است و اجزای پنجره به صورت گوه در هم فرو میروند و از لحاظ هنری یکی از جلوه های هنر اصیل ایرانی است که متأسفانه در ایران رو به نابودی است). دور تا دور بقعه هم با کاشیکاری معرق و بخش های تازه تر با کاشی کاری هفت رنگ تزئین شده است. در داخل بقعه هم آیه هایی از سوره ی مبارک فتح و احادیثی از پیامبر در مورد زیارت امام رضا (ع) آورد شده است و نهایتاً حدیث سلسله الذهب که از مفاخر نیشابور در تمام دوران است.

سقف و دیواره های داخلی بنا هم که با نقاشی ها و زرکوب های زیبا تزئین شده و به تازگی بر روی قسمتی از دیوار که سنگ بنای قدمگاه در آنجا نصب شده ضریحی قرار داده اند و مردم از پشت ضریح به زیارت جای پای امام رضا (ع) میپردازند. تا ۳۰ سال پیش در این بقعه آتشدانی برنجی بوده که در آن ۶ ردیف ۳ تایی شمع قرار میگرفته و مربوط به زمان صفویه بوده است که بخوبی میشده سیستم نورسانی زمان صفویه را در آن مشاهده کرد که تصویر آن در صفحه ی ۳۵۶ کتاب آثار باستانی خراسان نوشته ی مرحوم مولوی بسال ۱۳۵۲ آمده و هم اکنون مثل بسیار

دیگری از آثار یا از بین رفته است یا در جایی دیگر نگهداری میشود که کسی از آن باخبر نیست.

در ضلع شرقی بقعه ، چشمه ای است که همچنان آب دارد و مردم به خاطر وضو گرفتن امام رضا (ع) با این آب برای این چشمه احترام خاصی قائل هستند.

دیگر اماکن قدمگاه :

کاروانسرا و رباط قدمگاه : با اهداف تجاری و امنیتی دوران صفویه که بعد ها بیشتر نقش زائر سرا را به خود میگیرد.

حمام : که از گذشته با توجه به قرار گرفتن در سر راه نیشابور به مرو وجود داشته است و از زمان ساخت بقعه به بعد نقش آن پررنگ تر شده است.

آب انبار : که نیاز های اهالی و مجاورین را برآورده میکرده است.

قلعه ی قدمگاه (اسپریس) : که هم اکنون در محله ی گلستان شهر قدمگاه قرار دارد

و بر روی تپه ای قرار داشته و هم اکنون فقط دیواره هایی از آن باقی مانده است. از

درون باغ هم میتوان خرابه های آن را بر فراز کوه دید.

دهکده چوبین

هکده چوبین؛ نام محلی است که در یکی از روستاهای نیشابور ساخته شده است. این دهکده چوبی زیبا و بی همتا در ایران، به وسیله مهندس مجتهدی ساخته شده و یکی از دیدنی ها و تفرجگاه های نیشابور می باشد.



دهکده چوبین

در این مکان تقریبا همه امکانات پذیرایی و اسکان و تزئینات با چوب ساخته شده است. مسجد چوبی این دهکده شاهکارهای آن است که در آن بیش از ۱۳ تن چوب به کار رفته است.

بازار تاریخی نیشابور

بازار تاریخی نیشابور که به آن بازار سرپوشیده یا بازار سرپوش نیز می گویند؛ یکی از مکان های دیدنی شهر نیشابور است که پیشینه آن به دوره صفویان باز می گردد. این بازار تنها بخش به جای مانده از بازار بزرگی است که از "دروازه مشهد" آغاز و در "دروازه عراق" به پایان می رسیده است. از بناهای به جای مانده این بازار می توان از سرا، کاروانسرا، تیمچه و گرمابه نام برد.

آرامگاه ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری (خیام نیشابوری)

حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری در سال ۴۳۹ هجری قمری (۱۰۴۸ میلادی) در شهر نیشابور و در زمانی به دنیا آمد که ترکان سلجوقیان بر خراسان و ناحیه ای وسیع در شرق ایران، تسلط داشتند. وی در زادگاه خویش به آموختن علم پرداخت و نزد عالمان و استادان برجسته آن شهر از جمله امام موفق نیشابوری علوم زمانه خویش را فراگرفت و چنانکه گفته اند بسیار جوان بود که در فلسفه و ریاضیات تبحر یافت. البته ذکر این نکته لازم است که برخی از خیام را از جمله شاگردان ابن سینا می دانند. گرچه پایگاه علمی خیام برتر از جایگاه ادبی اوست ولی آوازه وی بیشتر به واسطه نگارش رباعیاتش است که شهرت جهانی دارد. رباعیات خیام به اغلب زبان های زنده ترجمه شده است که همین امر باعث شهرت بیشتر وی در دنیا گردیده است. تعداد رباعی های این شاعر گرانقدر تقریباً نامشخص است ولی آنچه در مورد آن اتفاق نظر وجود دارد کمی بیش از ۱۰۰ رباعی است.



آرامگاه خیام

حکیم عمر خیام در دوره سلطنت ملک‌شاه سلجوقی و در زمان وزارت خواجه نظام‌الملک؛ گاه شماری (تقویم) ایران را اصلاح کرد. با حمایت ملک‌شاه سلجوقی و وزیرش نظام‌الملک، به همراه جمعی از دانشمندان و ریاضیدانان معروف زمانه خود، در رصدخانه ای که به دستور ملک‌شاه تأسیس شده بود، به انجام تحقیقات نجومی پرداخت. حاصل این تحقیقات اصلاح تقویم رایج در آن زمان و تنظیم تقویم جلالی (لقب سلطان ملک‌شاه سلجوقی) بود.

مرگ خیام را میان سالهای ۵۱۷-۵۲۰ هجری قمری می‌دانند که در نیشابور اتفاق افتاد. وی را در باغی که آرامگاه امامزاده محروق نامیده می‌شود به خاک سپرده‌اند.

آرامگاه کمال الملک

آرامگاه کمال الملک؛ بنایی است که در شهر نیشابور بر مزار کمال الملک ساخته شده است. این بنا کنار آرامگاه عطار نیشابوری و در باغی در محله کهن شادیخ در شهر

نیشابور ساخته شده است. این باغ در فاصله نزدیک به یک کیلومتر در سمت غرب آرامگاه خیام قرار گرفته است.

تزئینات استفاده شده برای آرامگاه کمال الملک، کاشی معرق است که نقوش آنها بسیار هنرمندانه بر روی سطوح منحنی نما بکار گرفته شده اند و به سمت خط تقارن قوس ها این نقوش کوچک و کوچکتر می شوند. به گفته طراح؛ استفاده از کاشی معرق، معماری کاشان یعنی محل زادگاه کمال الملک را یادآور می شود. نمای بنا و تزئینات و همچنین رنگ کاشی ها، هماهنگی فراوانی با آرامگاه عطار، که در کنار آن است دارد؛ به گونه ای که شاید بازدید کننده در نگاه نخست گمان کند که این بناها بخشی از هم هستند.

سنگ مزار کمال الملک همچون سایر سنگ های مزاری که سیحون در آرامگاه ظهیرالدوله تهران طراحی کرده، یکپارچه از سنگ گرانیت و با بافت خشن می باشد. در قسمت بالای سنگ که مرتفع و زاویه دار تراشیده شده، نقش برجسته ای از کمال الملک توسط شاگرد ایشان، مرحوم استاد ابوالحسن صدیقی سنگ کاری گردیده است.

آرامگاه عطار نیشابوری

فریدالدین ابو حامد محمد عطار نیشابوری یکی از عارفان و شاعران بلند آوازه ادبیات فارسی در اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم هجری قمری است. نام او "محمد"،

لقبش "فرید الدین" و کنیه اش "ابوحامد" است و در شعرهایش بیشتر عطار و گاهی نیز فرید تخلص می کرده. نام پدر عطار؛ ابراهیم (با کنیه ابوبکر) و نام مادرش رابعه بوده است. پدرش از اهالی زروند کدکن در اطراف نیشابور بود. فرید الدین در سال ۵۱۳ هجری قمری در نیشابور متولد شد. در سال ۵۴۸ هجری قمری به علت حمله قوم مغول، مانند بسیاری از اهالی نیشابور به شهر شادیاخ مهاجرت کرد. وی با ثروتی که همراه داشت، داروخانه ای را در آن شهر بنا نهاد که در آن بیماران را معالجه می کرد و در همان محل تعلیمات طبابت، داروسازی و عرفان را از شیخ مجدالدین بغدادی فرا می گرفت.

راجع به پشت پا زدن عطار به امور دنیوی و ورود به راه زهد، گوشه گیری و تقوی، حکایات زیادی گفته شده؛ ولی چیزی که معلوم است این است که عطار پس از این قضیه مرید شیخ رکن الدین اکاف نیشابوری می گردد و تا پایان عمر (حدود ۷۰ سال) با بسیاری از عارفان زمان خویش هم صحبت گشته و به گردآوری حکایات صوفیه و اهل سلوک پرداخته است. بنا بر روایتی وی بیش از ۱۸۰ اثر مختلف به جای گذاشته که حدود ۴۰ عدد از آنان به شعر و مابقی نثر است. عطار در سال ۶۱۸ یا ۶۱۹ و یا ۶۲۶ در حمله مغولان به دیار باقی شتافت.

موزه (نیشابور)

موزه نیشابور در ضلع شرقی کاروانسرای شاه عباسی به مساحت حدود ۵۵۰ متر مربع همزمان با برپایی کنگره بزرگداشت عطار نیشابوری در سال ۱۳۷۴ افتتاح شد.

این موزه از نوع موزه های محلی و منطقه ای است و برای بررسی چگونگی تکامل فرهنگ و زندگی مردم منطقه در سه بخش باستانشناسی - مردم شناسی و بخش ویژه طراحی شده است. بخش باستانشناسی: در این بخش اشیای تاریخی مانند سکه های متعلق به قبل از اسلام تا دوره تیمور، انواع ظروف سفالین قبل از اسلام و

دوران اسلامی، ظروف فلزی، شیشه ای، سنگ قبر و اشیای سنگی به نمایش درآمده است. به عنوان مهمترین اشیای این بخش باید سفالینه های معروف به نیشابور اشاره نمود. سفالگری نیشابور و وقوف به اهمیت آن در طی چندین فصل حفاری علمی که توسط هیات های باستانشناسی خارجی و داخلی صورت گرفت، پدیدار شد. دست آورد این کاوشها، نمونه های با ارزشی از ظروف سفالی شامل

ظروف تک تک، رنگارنگ، نقش کنده، لعاب پاشیده و معروف تر از همه سفالینه های دارای نوشته قهوه ای کوفی تزیینی به جا مانده از قرن های سوم تا پنجم هجری است. بخش مردم شناسی: در این بخش جلوه های از این زندگی روزمره مردم منطقه و اشیای مربوط به آن در معرض دید قرار دارد و وسایلی چون لوازم منزل، وسایل سفره، وسایل روشنایی و... بخش ویژه: این بخش در برگیرنده مجموعه اهدایی

شامل مدالها و احکام شادروان و پهلوان ((یعقوب علی شور ورزی)) از کشتی گیران پیشکسوت نیشابور (۱۳۰۲-۱۳۷۸ خورشیدی) ، احکام و اسناد خطی مربوط مرحوم به بقراط اولین پزشک شهرستان نیشابور (متوفی ۱۳۴۴ خورشیدی) ، ماکت شهر قدیم نیشابور و لوحه استوانه ای بدلی منشور آزادی ملل مربوط به کوروش هخامنشی ۵۲۹ ق.م است

موزه خیام (نیشابور)

این موزه همزمان با کنگره جهانی حکیم عمر خیام در ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ و با عنایت به شان و مرتبه حکیم عمر خیام و آثار ارزشمند باقی مانده از وی به ویژه در رابطه با دانش ستاره شناسی، تقویم ، ریاضیات و اشارات مکرر خیام به خاک ، کوزه و کوزه گری و اهمیت سفال نیشابور و نیز فقدان موزه ای در استان که به نوعی معرف مراتب علمی و بیانگر ویژگیهای دوران حکیم عمر خیام باشد، موجب شد که سازمان میراث فرهنگی اقدام به تاسیس موزه خیام در کنار آرامگاه نماید. ساختمان فعلی موزه که پیش از این به عنوان مکان اداره میراث فرهنگی مورد استفاده قرار داشت با اندکی تغییرات به موزه مناسبی در کنار آرامگاه حکیم تبدیل شد و از موزه های مختلف کشور اشیاء و آثار نفیسی به این موزه منتقل شده است .

موزه خیام شامل چهار بخش است.

بخش اول: آثار مربوط به نجوم شامل ابزار آلات رصد و ستاره شناسی ، اسطرلاب
انواع قطب نماها و صور فلکی است.

بخش دوم : ظروف مفرغی و فلزی معاصر با خیام از قرن پنجم ه.ق تا قرن هفتم ه.ق

بخش سوم: شامل ظروف سفالین لعابدار و بدون لعاب مربوط به قرون سومه.ق تا

قرون هفتم ه.ق . عمده ترین گروه سفالینه در این دوره ، عبارتند از: ظروف تک رنگ ،

رنگارنگ، نقش کنده، لعاب پاشیده ، نقوش قالب زده و نقوش مرصع، معروفتر از همه

نوع سفالینه دارای نوشته قهوه ای کوفی تزیینی است که چگونگی و نحوه نگارش

خطوط کوفی بر روی ظروف سفالین ، ذهن بسیاری از پژوهشگران را به خود

معطوف داشته است .

موزه حیات وحش نیشابور

موزه حیات وحش (شکار در طبیعت) نیشابور که در زمرد موزه های تاریخ طبیعی به

شمار می آید، در ۲۸ اردیبهشت سال ۱۳۸۲، همزمان با روز جهانی موزه ها، به همت

حسین حساری، در محل رباط شاه عباسی نیشابور(خیابان امام خمینی، فلکه خیام،

کاروانسرای شاه عباسی) افتتاح شد.

این مجموعه ارزشمند که نخستین موزه خصوصی ایران است، نمونه های زیر را در خود جای داده است:

پرندگان و سایر جانوران تاکسیدرمی شده (گردآوری این مجموعه، حدود ۳۱ سال طول کشیده است)

موش های آزمایشگاهی (کاربرد در امور آموزشی محصلین)

ماهی های زینتی و ماهی های گوشت خوار

مارهای نیمه سمی (منبع غذایی آنها موش و مارمولک و گنجشک است، این تغذیه به

صورت زنده انجام می گیرد و مارها به شکار آنها می پردازند)

در سایت خبرگزاری میراث فرهنگی آمده است: «موزه حیات وحش نیشابور در حال

حاضر دارای ۸ غرفه است که هر بخش آن مربوط به فصول مختلف و ۱ منطقه دست

نخورده را نشان می دهد.

زیربنای این موزه ششصد متر است اما حصاری آرزو دارد ۳۵۰ متر دیگر برای دو

غرفه ماهی و مار اضافه کند.

تمام این غرفه ها محل زندگی هر حیوانی را به طور طبیعی نشان می دهند و حیوانات

تاکسی درمی شده را در مکان آب و هوای مخصوص همان جانوران به نمایش

گذاشته شده اند».

به گزارش خبرگزاری میراث فرهنگی، حصاری می گوید: «۲۰ درصد این نمونه ها منقرض شده اند و بخشی از آنها نیز در حال انقراض اند. بیشتر حیوانات از نقاط مختلف ایران و بخش کوچکی نیز از خارج از این موزه آورده شده است.»

حسین حصاری در بخش تاریخچه وب سایت «موزه حیات وحش (شکار در طبیعت) نیشابور»، درباره خود، فعالیت هایش و چگونگی تاسیس اولین موزه خصوصی ایران، چنین نوشته است؛

«اینجانب حسین حصاری متولد ۱۳۳۶ (هش) در مشهد به دنیا آمدم، من از همان کودکی علاقه شدیدی به جمع آوری حیوانات وحشی و طبیعت داشتم، در همان زمان بود که یک تیر کمان با چوب و کش درست کردم و تا پانزده سالگی از همان تیر و کمان استفاده می کردم، از همین سالها بود که کار شکار را بیشتر ادامه دادم، هر حیوانی را که شکار می کردم آنها را نگهداری و بعد به تاکسیدرمی آنها اقدام می کردم.»

حدوداً هجده ساله بودم که از طریق خانواده ام با شخصی به نام خانم مریم اشراقی آشنا و با او ازدواج کردم. بعد از اینکه با خانم اشراقی ازدواج کردم، همراه هم به کوه و شکار می رفتیم و در همان زمان بود که طریقه تاکسیدرمی حیوانات کوچکتر را کاملاً یاد گرفته بودم و هر حیوان کوچکی را که شکار می کردیم با کمک همسرم به تاکسیدرمی آنها می پرداختیم و نیز زمانی که من با خانم اشراقی ازدواج کردم یک

عدد تفنگ بادی نیز خریداری کردیم، ما دارای دو فرزند پسر بودیم که جنگ تحمیلی شروع شد و من برای دفاع از دین و مملکت خود به جنگ رفتم در طول این هشت سال بود که خانم اشراقی و دو فرزند پسر من تنها زندگی می کردند و همسر من هم نقش پدر را برای فرزندانم داشت و هم نقش مادر را. بعد از تمام شدن جنگ من به آغوش خانواده ام بازگشتم و کم کم شروع به گرفتن جواز برای حیوانات شکاری و چهارپایان اقدام کردم که من پروانه برای رفتن به شکار را گرفتم.

در فصل شکار که اکثر اوقات زمستان می باشد، ما و شکارچیان دیگر همراه هم به شکار حیوانات در نقاط مختلف ایران سفر می کردیم، حیواناتی را که شکار می کردیم به منزل آورده و با گذشت ۴۸ ساعت به تاکسیدرمی آن حیوانات اقدام می کردیم تا جایی این کار ادامه داشت که می توان گفت تمام حیواناتی که شکار کرده بودیم تاکسیدرمی و در منزل خود و اقوام ننگه داری می کردیم و دیگر جایی برای نگهداری از این حیوانات وجود نداشت.

تصمیم بر این شد که موزه ای علمی فرهنگی تفریحی برای هموطنان خود برپاکنیم و نیز هر حیوانی که در یکی از مناطق ایران شکار شده بود در این محل نگهداری شود. در نتیجه با استانداری مشهد مشورت و تصمیم بر این شد که این موزه را در شهر باستانی نیشابور برپا کنیم، برای برپا کردن چنین موزه ای هزینه گزافی پرداخت شد تا جایی که من مجبور شدم تمام وسایل شخصی خود را از قبیل وسیله نقلیه و مسکنهای خود را فروخته، تا چنین کاری را با موفقیت تمام کنیم، من مسئولیت این

موزه شخصی را به همسرم واگذار کردم، چون این زن همانند مردی پر تلاش همراه من در تمام زمینه ها بود و یک لحظه هم مرا تنها نگذاشت و برای قدردانی از زحمات همسرم این موزه را به نام ایشان به ثبت رسانده ایم. این موزه در مورخ «بیست و هشتم دی ماه سال هزار و سیصد و هشتاد و یک» با همکاری اداره گردشگری و میراث فرهنگی استان خراسان افتتاح گردید ...»

منابع :

بروشور های نوروزی اداره میراث فرهنگی خراسان رضوی ، نوروز ۱۳۸۵

مولوی ، عبدالحمید ، آثار باستانی خراسان جلد اول ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ،

۱۳۵۲

گرایلی ، فریدون ، نیشابور شهر فیروزه ، خاوران ، ۱۳۷۳

مدیح ، عباسعلی ، نیشابور و استراتژی توسعه ، شهرفیروزه و نوای غزل ، ۱۳۸۵

[fa \(dot\) wikipedia \(dot\) org](http://fa(dot)wikipedia(dot)org)